

تاریخ تجارت برده از آفریقا به اروپا از دهه های ۱۴۴۱ تا ۱۹۵۰ تجارت برده و نژادپرستی بعنوان خاستگاه سرمایه داری

نویسنده: ماریو سوزا

مترجم: پیام پرتوی

http://www.mariosousa.se/Slavhandeln_och_rasisem_som_kapitalismens_vagga.html

کلامی از نویسنده

در آغاز دهه های ۶۰ توسط نویسنده گانی از قاره های مختلف جهان انتشار کتبی در مورد تاریخ آفریقا و رابطه میان اروپا/آفریقا آغاز شد. آنها بر پیش داروریهای قدیمی نژاد پرستی غلبه و تصویر جدیدی از قاره بزرگ آفریقا و مردم آن ارائه نمودند.

نویسنده گانی مانند باسیل دیویدسون، چارلز آر. باکستر، والتر رونی، خوزه کاپلا و دیگران در آنزمان برای اولین بار حقایق پنهان در پشت تجارت برده و کلنیالیسم را در اختیار عموم قرار دادند. با اینحال، علیرغم گذشت ۲۰ سال از انتشار اغلب این کتب، دانش در مورد این موضوع با گذشت زمان تحلیل رفته است.

این جزوه بر آنست که از این کتب و شماری از تحقیقات دیگر توضیحاتی را در مورد تجارت برده در آفریقا، بزرگترین مهاجرت دسته جمعی در تاریخ بشری، ارائه دهد و خواننده گان را به کسب دانش بیشتر در این باب ترغیب نماید. برخورداری از چنین دانشی برای افرادی اهمیت دارد که به آشنا نمودن خود با مبارزات سیاسی جهانی که ما در آن زندگی میکنیم، و بخصوص مبارزه بر علیه نژاد پرستی، تمایل دارند.

شاید اینگونه انگاشته شود که بخشی از این مجموعه خود را بیش از حد بر روی اقدامات پرتقال در آفریقا متمرکز نموده است. دلیل آن اینست که پرتقالیها اولین اروپاییهایی بودند که به آفریقا، جنوب جزایر قناری، آمدند و برای مدتی به تنهایی مناطق ساحلی را استثمار نمودند.

ماریو سوزا

تجارت برده و نژاد پرستی بعنوان خاستگاه سرمایه داری

- آنها مانند یک حیوان شکار، بصورتی میلیونی به اسارت گرفته، نشانه گذاری و در بازار فروخته و از روی اقیانوس با کشتی برای برده داران در معادن و مزارع حمل میشدند. ما از ۵۰ میلیون آفریقایی صحبت میکنیم که در خلال دوره ای از ۴۵۰ سال، از اواسط دهه ۱۴۰۰ تا اواخر دهه ۱۸۰۰، قربانی تجارت برده اروپا شدند.

در نشریه کارگر (ارگان رسمی حزب کمونیست سوئد- م.ل)، ۱۹۹۷، ماریو سوزا در مورد تاریخ تجارت برده، اینکه چگونه اساس ثروت و توسعه سرمایه داری را در اروپا بنیان نهاد و اینکه چگونه تمدن بزرگ و فرهنگ والای آفریقا را متلاشی نمود، صحبت میکند. این داستانیست شگفت انگیز و نفرت انگیز، با قربانیانی بیشمار و شمار فراوانی خائن. در این رابطه مسیحیت نقشی ویژه و ناخوشایندی را ایفاء مینماید.

کلیسای مسیحی تجارت برده را مورد ستایش قرار داد. «بهر کسی که در این جنگ شرکت میکند باید بخشش کامل برای تمام گناهانش اعطاء گردد»، در فتوای پاپ اینچنین آمده بود. اما نه فقط این. کلیسا در تجارت برده فعالانه شرکت داشت. و نه تنها کلیسا. کلیه شاهزاده گان اروپایی از تجارت برده کسب درآمد مینمودند. سوئد نیز به همین ترتیب. حقیقت اینست که خانواده سلطنتی سوئد، سلسله برنادوت، از طریق جدش کارل چهاردهم یوهان درآمد سرشاری از تجارت برده در دریای کارائیب کسب نمود.

«گناهان کسی که در این جنگ شرکت میکند باید مورد بخشش کامل قرار گیرد...»

پاپ اوگنیوس چهارم، ۱۴۴۱

هنریک دریانورد و کشتیها

همه چیز با سال ۱۴۴۱ آغاز شد. قبل از آن، در قاره اروپا طی سالها، تجارت برده یقیناً یک تجارت پر منفعت بوده است. ثروتمندان در اروپا از تاجران برده در آفریقای شمالی بمنظور استفاده از آنها در انجام کارهای خانه و مزارع، برده، سفید و سیاه، خریداری مینمودند. اروپاییها به نوبه خودشان، از جمله در ونیز و جنوا، برده گان مسیحی را به پادشاهان در مصر و دیگر کشورها در آفریقای شمالی میفروختند. جهت پایان دادن به تجارت انسان، حتی با برده گان مسیحی، هیچکس نه قدرت و نه تمایلی داشت.



پاپها، کلمنت پنجم و مارتین پنجم، با اعمال تکفیر تهدید نمودند – تکفیر کلیسای مسیحی و پادشاهی خدا – چرا که برده گان مسیحی به «کافران» فروخته میشدند. اما تهدید آنها نتیجه ای نداد. در سال ۱۴۴۱ وقوع حادثه ای جریان تاریخ تمام قاره را تغییر داد. شاهزاده هنری دریانورد از پرتغال فایقی را تحت رهبری فرمانده جوان **Antão Gonçalves**، با این فرمان ارسال نمود: در امتداد ساحل اقیانوس اطلس کشتیرانی کن، از کانال بویادور عبور و انبار کشتی را با چرم و روغن شیر دریایی پر کن. ماموریت بخوبی و بموقع توسط **Antão Gonçalves** انجام شد.

اما **Gonçaves** خود را تنها با این امر خشنود ننمود، مدت زمان درازی بود که میخواست با بردن چیز بخصوصی بعنوان هدیه در حق ارباب خود خدمتی کرده باشد. او بدنبال شکار انسان در مورد رفتن به خشکی تصمیم گرفت. **Gonçaves** با ۹ تن از مردان خود پهلو گرفت و جستجو را آغاز نمود. آنها در خشکی گشتند و گشتند اما بدون نتیجه.

بالاخره، خسته و ناامید در راه بازگشت به قایق، چشمشان به مردی افتاد. او با شتر خود در امتداد تپه ها میآمد. آن مرد بسرعت توسط ده مرد دیگر محاصره اما در ابتدا تسلیم نشد. وی از خود شجاعانه و با نیزه دفاع و دقیقا پس از اینکه در جنگ با پرتغالیها آسیب دیده بود به اسارت گرفته و به کشتی برده شد. اولین تماس میان اروپاییها و آفریقاییها در جنوب صحرا اینچنین برقرار شد. نیزه در مقابل نیزه در مبارزه ای برای آزادی. قبل از بازگشت به قایق او و همراهانش زنی را که در آن نزدیکی پیدا کرده بودند نیز به اسارت گرفتند.

اما سفر غارت برای آن بار به پایان نرسید. **Antão Gonçalves** در دریا با پرتغالی دیگری، **Nuno Tristão**، فرمانده یک کشتی بخوبی مسلح و بزرگ، برخورد نمود. **Tristão** از هنریک دریانور در مورد به اسارت گرفتن انسانهای قابل رویت در ساحل

آفریقا بهر طریق ممکن، و آوردن آنان به پرتقال فرمانی دریافت نموده بود. کار مشترک **Gonçaves** و **Tristão** آغاز شد. آنها شبانه با نیرویی عظیم به خشکی آمدند و از روی خوش اقبالی با دو اردوگاه که ماهیگیران در آن خوابیده بودند برخورد نمودند. پرتقالیها با تمام نیرو حمله کردند. شماری از آنها موفق به فرار شدند، پرتقالیها چهار نفر را کشتند و ده تن دیگر، مرد، زن و کودک را به اسارت گرفتند.

پس از بازگشت، این اولین تجارت غارتگرانه سر و صدای زیادی را در قصر هنریک پیا نمود. مقام **Antão Gonçaves** بخاطر شاهکارش تا حد شوالیه ارتقاء یافت و نشان افتخار مسیح به وی اهدا شد. هنریک دریانورد بمنظور بازگو نمودن دستگیریها و طرحهای گسترده برای فتوحات جدید و تجارت شکار برده سفیر ویژه ای را به نزد پاپ **Eugenius IV** ارسال نمود. او برای ادامه طرحهای خود برای آفریقا خواهان دریافت موافقت و دعای خیر پاپ بود. وی از پاپ بیش از آنچه که خواسته بود دریافت نمود.

پاپ همچنین اعلام نمود «گناهان کسی که در این جنگ شرکت میکند باید مورد بخشش کامل قرار گیرد». البته بد نیست، هنگامیکه گناهان در این جنگ - ه آغاز شده، دزدی، برده گیری، و افراط و تفریطهای عظیم در کشتار کودکان، زنان و مردان، به میزانی که پیشی گرفتن از آنها دشوار اند، پنداشته میشوند. آن «از پیش» بخشیده شده گان، بسیاری از آنان از میان عقب مانده ترین اقشار جامعه، محکومین به شنیعترین جرائم بعنوان سابقه، جهت حمله به انسانهای بی دفاع، چپاول، به بردگی کشیدن و قتل عام به دریافت تشویق نیازی نداشتند.

ستایش پاپ **Eugenius** چهارم و بخشش گناهان تاثیر ناپذیر کننده ی ابدی بر روی آفریقا داشت. حتی پاپهای جانشین وی نیز دنباله رو مثال وی گشتند. قبل از هر جنگ و تجارت غارتگرانه در قاره آفریقا پایها بخشش گناه کاران را برای مسیحیان اعلام نموده اند!

شکار برده بعنوان کسب و کار

سفرهای دریایی کشتیهای پرتقالی به آفریقا و ساحل سنگال بمنظور شکار و آدم ربایی برای فروش بعنوان برده، افزایش یافت. آنها بخوبی مسلح بودند و بصورت گروهی و با قایقهای فراوان به آنجا میرفتند. پرتقالیها معمولاً شبانه به خشکی میرفتند، به روستاهای ماهیگیری بی دفاع یورش میبردند و مردمشان را به بردگی میکشیدند. نفوذ شکارچیان برده در خشکی برای به اسارت گرفتن انسانها افزایش یافت اما با گذشت زمان نشان داده شد که این کار نمیتوانست برابر با به خطر انداختن جانیشان باشد. آنها بهمین دلیل حضور خود را به جوامع ساحلی محدود نمودند.

به مرور زمان شمار آفریقاییان به بند کشیده شده افزایش یافت و ارزش بزرگ و مهمی را نشان داد. در سال ۱۴۴۴ یک ماموریت سازماندهی و تامین مالی شده از ۶ کشتی، از لاگوس در ساحل آگاروه در جنوب پرتقال آغاز شد، اولین ماموریت از نوع خود. هدف به اسارت گرفتن سیاه پوستان در مقیاسی وسیع برای فروش بود. کشتیها چند ماه بعد، پس از بازگشت به لاگوس، ۲۳۵ نفر را در میان محموله های خود داشتند. ماموریت از جمله جنگ کوچکی را عامل شده بود و شمار فراوانی از آفریقاییان در جریان تلاش برای دفاع از خود در مقابل حملات پرتقالیها کشته شده بودند.

شکار برده بر روی دریاها بعنوان یک کسب و کار تجاری تثبیت شده، به واقعیتی مبدل شده بود. میان ۱۴۴۱ تا ۱۴۴۸ توسط پرتقالیها بیش از هزار برده از ساحل آفریقا به اسارت گرفته شدند. از آغاز دهه های ۱۴۵۰ شمار برده گان فروخته شده در بنادر لاگوس و لیسبون تا ۷۰۰-۸۰۰ نفر در سال افزایش یافت. با اینحال این بخش کوچکی بود از آنچه که قرار بود رخ بدهد.

(محل فروش برده گان در شهر لاگوس، بخوبی نگهداری شده در کنار میدان جمهوری در مقابل کلیسای سانتا، همچنان برای بازدید عموم آزاد است).



بازار فروش برده در لاگوس

واتیکان و طلا از تجارت برده

با رشد تجارت برده علاقه کلیسای مسیحی به دستبردهای پرتغالیها افزایش یافت. قراردادی دال بر وجود ارتباطات اقتصادی میان پرتغال و واتیکان ردیابی نشده است، همانطور که میدانید تحقیقات در بایگانی واتیکان مجاز نیست، اما اسناد تاریخی مهم وجود چنین توافقاتی را به اثبات رسانده اند. از دوران حکومت پاپ نیکلاس پنجم و به درخواست پادشاه پرتغال، شماری از فتاوی پاپ، احکامی مهم به کلیه مسیحیان، که بصورتی مداوم بر حقوق خانواده سلطنتی در بهره برداری از آفریقا تاکید داشت و به اقدامات آنان مشروعیت میبخشید، اعلام شده اند.

سه فتوای مهم پاپ برای تمام روابط آینده میان اروپا و آفریقا اهمیت بسزایی داشتند. اولین، دام دای ورسس، صادر شده در ۱۸ ژوئن ۱۴۵۲، ۹ سال پس از به بردگی کشیدن اولین آفریقایی توسط **Tristão و Gonçalves**. فتوای پاپ دام دای ورسس به پادشاه پرتغال این حق را میداد که «حمله کند، فتح کند و کلیه مسلمانان، مشرکان و دیگر کافران و دشمنان مسیحیت را مورد ظلم و ستم خود قرار دهد، اموال و سرزمین آنان را مصادره نماید، آنان را به بردگی ابدی محکوم و اموال و سرزمین آنانرا به پادشاه پرتغال منتقل و در اختیار جانشین وی قرار دهد». روشنتر از این نمیتوان سخن گفت.

با همین دلیل خوب این سوال مطرح میشود که چرا واتیکان و بالاترین مرجع کلیسای مسیحیت یکچنین قدرتی را به کشوری نسبتا عقب مانده از نظر فرهنگی و اقتصادی، پرتغال آنزمان، اعطاء نمود. توضیح اینست، بنا بر اعتقاد من طلا. هدف پاپ به چنگ آوردن آن منافع عظیم بود، که میتوان با خواندن متن، آنجایی خود را بر روی «اموال، سرزمین و بردگی ابدی» متمرکز مینماید، بدان پی برد. حتی فتاوی زیر نیز با همان اهداف ادامه پیدا میکنند.

فتوای پاپ رومانس پونتیفکس، از ۸ ژانویه ۱۴۵۵، شرح تاریخی و ستایش از دولت تجاوزگر پرتغال است. در این فتوا انحصار حمل و نقل دریایی، تجارت و ماهیگیری در آفریقا، و برای همیشه فتوحات در جنوب **Kap Bojador** تا هندوستان، به پرتغال داده میشود. این انحصار که پادشاهان پرتغال در آنزمان صاحب آنشدند امتیاز عظیمی بود، هر دو بخاطر وسعت مناطق و اینکه خود ممنوعیتی بود برای دیگر کشورها که در جهت آمدن به آفریقا تلاش مینمودند. یکبار دیگر، یکچنین اقدامی از جانب پاپ طرح سوال دیگری را مشروع میسازد. به عبارت دیگر، پاپ در ازای آن چه چیزی دریافت نمود؟

در سومین فتوای پاپ، اینترکاتارا، از ۱۳ مارس ۱۴۵۶، پاپ کالیستو سوم همان انحصاری را پیشنهاد نمود که پادشاه پرتغال توسط رومانس پونتیفکس دریافت نموده بود.

علاوه بر این فتوای پاپ نشان افتخار مسیح را نیز ارائه داد، که بالاترین رئیس او هنری دریانورد بود، حق انحصاری به شفای روح، و معاملات مالی مرتبط با مناطق فتح شده و کلیه فتوحات آینده «از Kap Bojador و تا هندوستان».

در اروپای آنزمان فتاوی پاپ دارای اهمیت بسیاری بودند. آنها اقتدار بزرگ اخلاقی پاپ را، مستقیماً گرفته شده از خدا، که نفوذ فراوانی بر روی اخلاق و ارزشهای مردم داشتند، محقق مینمودند. در مورد مسائل اقتصادی، میتوان گفت که پاپها اینبار نیز بر روی اسب برنده سرمایه گذاری نموده بودند. در خلال ۵۰ سال اول، تجارت برده از آفریقا به اروپا سه برابر شد.

هنری، دریانورد یا شکارچی برده؟

هنری - ۵ دریانورد در سال ۱۴۶۰ درگذشت. شخصیت تاریخی وی، بخوبی شناخته شده در کتابهای تاریخی، اغلب بعنوان نوعی دوراندیش، یک کاشف تشریح میشود. شاهزاده هنری یقیناً یک دوراندیش بود، اما اندیشه های او با قدرت پول سر و کار داشت.

او از همان دوران جوانی زندگی خود را بعنوان فاتح از طریق انجام چندین لشکرکشی به مراکش و جزایر قناری آغاز نمود. بیرون آوردن جبل الطارق از چنگ پادشاه اسپانیا نیز یکی از اهداف وی بود. بنا بر ادعای کتب تاریخی بزرگترین دلیل هنری تمایل او به انتشار مسیحیت بود. اما توجه داشته باشید که جبل الطارق و جزایر قناری اسپانیایی بودند و در نتیجه مانند پرتقال به یک میزان مسیحی، پس هدف نه «مسیحیت»، بلکه فقط غارت بود.

یک مأموریت شناخته شده، فراموش شده توسط بسیاری، بطرف طنجه در مراکش، ۱۴۳۷ نشان دهنده شخصیت واقعی این شاهزاده است. یک ارتش پرتغالی، تحت فرمان مستقیم هنری دریانورد در ساحل مراکش در نزدیکی طنجه با هدف فتح شهر به خشکی وارد شد. پس از زد و خوردهای شدید با سربازان مراکشی ارتش پرتغال شکست خورد و بدون داشتن امکان بازگشت به کشتیهایشان به محاصره درآمد.

پایان کار هنری و تعداد دیگری از اشراف بسیار خوب، عنقریب بود. مراکشیها آزادی آنان را وعده دادند به این شرط که پرتغالیها شهر سنوتا را، که چند سال قبل به تصرف خود در آورده بودند، به مراکش باز پس میدادند. پرتغالیها بعنوان وثیقه فرمانده هنری را بعنوان اسیر باقی میگذارند. این پیشنهادی بود که پرتغالیها به قبول آن ناگزیر بودند. جایگزین خطر نابودی بود.



اما در زندان نشستن قصد هنریک نبود. با صحبت در مورد بهترین آرزوها برای امپراطوری و وعده در مورد آزادی زود هنگام، هنری برادر جوانتر خود فرناندو را، که تحت فرمان او قرار داشت، به ماندن بجای خود بعنوان اسیر متقاعد نمود. فرناندو جوان آخرین روزهای زندگی خود را در زندان فز گذارند. او از آنجا درخواستهایی را برای هنری فرستاد اما پاسخی دریافت ننمود.

هنری دریانورد افکار دیگری در سر داشت. آرزوی وی ارسال افرادی بود از راه دریا به آفریقای شمالی برای ایجاد تماس مستقیم با قاره ی بزرگ که در موردش شنیده بود، اینکه سروری خود را بر روی معادن طلا اعمال نماید و رهبری تجارت برده از آفریقای شمالی به اروپا را بدست گیرد. دیدگاههای هنری دریانورد دیدگاههایی بودند در مورد طلا و برده. یقینا بجای دریانورد شکارچی برده – و طلا میتواند نام بهتری برای او باشد. با در نظر گرفتن کلیه عوامل، علاقه هنری به دریانوردی در مقایسه با شکار برده و مبارزه برای معادن طلا در آفریقا، محصولی جانبی بود.

ادامه دارد